

**عباس ششادسته**، **محمد علی بیگی** معروف به *اندیشه*

**افغان به شاعر** عدالت در میان جریانات و گروه‌های سیاسی- هر روز جدی‌تر می‌شود اما مهم این است که هر که شعار عدالت می‌دهد، چه نسبتی با عدالت دارد و آیا عدالت را صرفاً یک شعار انتخابی می‌بیند یا آنکه حتی در باب آن نظر و برنامه یا ایده دارد. طبیعتاً تمام جریانات مدعی و متمایل به شعار عدالت را باید از این باب مورد پرسش قرار داد. در مصاحبه پیش رو، دکتر محمدرضا تاجیک را مورد پرسش قرار داده‌ام که چندی پیش مصاحبه‌ای در باب لزوم اقبال اصلاح‌طلبان به عدالت از ایشان شنیده شده بود. دکتر تاجیک که عضوهای عامل دانشگاه شهید بهشتی است، در دوران دوم خرداد مشاور سرسیدمدعی می‌باشد و رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری بود و اخیراً نیز از ایشان کتابی با عنوان **جریانات در راه است**، مایفستی برای اصلاح‌طلبی دوم، منتشر شده است. گفت‌وگو مقفل ما با محمدرضا تاجیک را از نظر می‌گذرانیم.

۱۱۱

**درمان اصلاح‌طلبان، حضرتعالی آقای علوی تبارو حتی خود آقای خامنی‌ها صورت توجیه به عدالت ناکر داده‌اند. دلیل بحث از عدالت در شرایط کنونی در میان اصلاح‌طلبان چیست؟ ایده‌های اصلاح‌یاب اراده کشور از جمله دموکراسی خواهی و ... چقدر با عدالت متناسب دارد؟**

ماجای نعل آزادی، دموکراسی و... جای خود را دارد ولی به‌نظر من چیزی که ما مفاهیم راسمان می‌دهد، بارموله‌های بنام عدالت است[والبته عدالت درصفا موعوب آن مدنظر بنام عدالت به معنای عدالت در رفتار اقتصادی، بلکه عدالت در برابر ارباب هم مهم است، عدالت جنسیتی در جامعه ما واقعاً نرسیده‌اند، در خانواده کنتشرالیسم، عدالتی اجتماعی و... نیز اهمیت دارد. ما باید به‌صورت جدی به این مساله تمرکز و فکر کنیم چون روح و روان جامعه ما رازاز این مساله بیگانه شده است. عدالت در برابر مردم در واقع همان است، عدالت یعنی کثما، ما همواره یک‌نوع وعدالت‌خواسته‌داشتیم.عدالتی که به‌قول بدویک ندامت‌آباد بوده‌است، در پی پشت آن چیزی نبود، بنابراین، به‌عدالت‌خواهانه ما هم در واقع خاص جدی کی نوع یازگشت به عدالت داشته باشیم و این عدالت در به معنای موعوب قاضیه در نظر خود، به اعتقاد من هیچ‌یک، در شرایط کنونی جامعه، امکان بازتولید افکار عمومی و تهییج و تحریک افکار عمومی را ندارند مگر اینکه‌ها سیاسی مسیر انضامی- که مردم در پی تحقق آن را وجود با پوست و گوشت خود هم می‌کنند، با مردم سخن بگویند. مباحث انتزاعی خلیت قوی است که در این عرصه انجام شده‌است. بنابراین اگر خواهیم یک بحث اجتماعی و فراگیر نوعی بازگشت به عدالت داشته باشیم و به این مشغول و دملشون، ذات به اعتقاد من، این عدالت باشد. **بحث عدالت در جریان انتخاباتی کنی از شعارهای اساسی بود، در این ۴ سال نیز مطرح بوده است. منتها طی این بحث، عدالت‌تباری جریان اصلاح‌ماتحسومیت نداشته و به یکباره فراموش شده و اهمیت پیدا کرده است. سوال این است که چرا به یکباره عدالت برای اصلاح‌طلبان مهم شده است؟**

اگر این موضوع (یعنی توجیه به عدالت) به‌صورت یک ریاضت وارد عمر مردم در جریان اصلاحات تل می‌گردد، من به‌نظر مساله را به این یک نگاه می‌کنم. بطریق چش و عدالت [را] یک نوع واقعیتی و یک نوع به سه عقل آشن جریان اصلاح‌طلبی می‌بینم چون به‌رحال دیری بود که جریان اصلاح‌طلبی ایده‌های خود را بی‌پروا منهای انتزاعی می‌داد. من این مساله را به‌بصیرت دیدم، نوعی بازتابشگی به یک دیدنایی و تحلیل کلی کم. باید یک رابطه تقییم و تفاهمی میان text و reality پیدا داشته باشد، یک رابطه دیالوگی و یک رابطه تکنیکی میان گفتن‌ها و شرایط تاریخی باید وجود داشته‌باشد وگرنه گفتن‌ها بی‌شرایط و فراتاریخی می‌شوند. اگر چنین اتفاقی در جریان اطلاع‌طلبی رخ داده باشد، با هر انگیزه و انگیزه‌ای، باید این مساله را یک گام به جلو برداشت. اینکه جریانات با شرایط تاریخی جامعه خودشان آشناتر ووارس‌اتر می‌شوند، یعنی جامعه خودشان صورت‌تاریخی پیدا کنند، این امر به‌نفع خودشان است. اگر چنین اتفاقی افتاده باشد وگرنه جامعه خودشان در یک بن‌بست باقی می‌مانند.

**یعنی باحال این ضرورت تاریخی که از آن یاد کردید، ضرورت نداشته و این‌ها اساساً اساساً خودشان درکی از این ضرورت تاریخی نداشته‌اند؟**
تفاوت اصلاح‌طلبان که هیچ جریانی به‌معنای دقیق قضیه به عدالت نپرداخته است. جریانی هم که بحث از عدالت کرده‌اند، در یک‌مدتی مسبق قضیه، مساله اطلاع‌رشدگی و بنابراین همواره یک نوع عدالت طلب داشته‌اند. تفاوت تنها یک نام داشته‌ام. اگر عدالت‌محور یک استراتژی و یک سیاست‌درمی است، اما امروز باید به‌عنوان یک نظر منطقی محصور، جامعه بپوشی می‌باشیم. باید کف‌هایمان کم می‌شد و باید از این حالت خارج حاد می‌شد. امروز ما این طاقی، شکایت‌ها مواجا هستند. اصلاحی تاریخی، جنسیتی، فرهنگی، قومیتی، زبانی و... در یک‌جا درحال تراکم و انباشت هستند. کارکرد سربدری محوری درحال ایجاد شدن است و ما وامله مردم از اینکه این شکاف‌ها در یک‌جا در یک به‌دست هم بدهند و به هم وصل شوند. این اتفاق در جامعه

## ۱۳

خدا بتواند میان این جمعیت متفرق یک اجماعی برقرار کند.

**هیچ جای عالم هم چنین اجماع نظری پیدا نشده‌است**، یعنی این‌طور نبوده که از کف جامعه به‌جمع‌بندی نظری واحد رسیده باشند و بعد سیاست‌ها و ایدیه‌بر جریان پیدا کرده باشد...

همین الان حداقل دو جریان اصلی در جامعه دارید. قبلاهم گفته‌ام اصلاح‌طلبی به‌لحاظ ماهیتش یک‌طیف متکثر است که از اوآلترا چپ تا اوآلترا راست و از اوآلترا سولوا و اوآلترا مذهبی در آن وجود دارد. اما در آن‌جایی که به یک ایدئولوژی مزین است هم در این فقتان یا اختلاف‌ناشده‌می‌کنیم. درون‌همان‌ها هم ۷۲مت وجود دارد، یعنی آنجا نیز گروه‌ها و طیف‌های مختلف فکری وجود دارد که حتی آنگاه که یک دیدگاه را از نظر دینی و قرآنی مورد بحث قرار می‌دهند، در تفسیر یا به‌مشابه‌نیتند. مهم این نیست که دال به‌یکار می‌برند،

دال به‌لحاظ زبان‌شناسی است، universal, است، signifier، به‌معنای مفهوم است. یک موجد، قدرت و، عدالت، به‌یکار می‌برند. آنچه بین انسان‌ها جدایی می‌آندازد، مدلول یا signified است، یعنی وقتی شما مفهوم عدالت را حتی از یک نص و یک کتاب مقدس استخراج می‌کنید، تفسیرتان چیست؟ وگرنه خود کتاب که به‌صدا درمی‌آید بگوید منظور من از این مفهوم چیست؛ بنابراین میان حتی مفسران ما یک خدش هم واحد میان بسیاری از مفاهیم وجود ندارد. اما باید یک‌جایی بر این فضا فائق آییم. به‌نظر من این مشکلی بوده که ما بعد از انقلاب تاکنون داشته‌ایم و این سربگردانی نظری وهرچند، این مفاهیم بر از انهام و ایهام آگاه داده که همگان به نام عدالت سخن بگویند. اما همگان عدالت را از عدالت تپهی همگان به‌عدالت‌یک‌هنگام خیرات‌کنند. بنابراین بایدیک

فضا را دور بزنیم و یک گفتنام مسطلی که گزاره‌هایش به‌صورت افکار عمومی تبدیل شوند، عدالت شناختن این نوعی گفتنامی که رفتار اصولگرایی ننداند، هم‌گاه خودی گوناگونی و تکثر، بتواند عدالت را در جامعه پیاده کند. یکجا آنهایی که بر سریر قدرت قرار می‌گیرند باید تکلیف را مشخص کنند که تکلیف‌شان چیست. عدالت‌خواهی یعنی توانفتن این مفاهیم را عملی و اجرایی به‌عنوان عدالت قوی و پویانبارا بر پرورازی است و نوعی گفتنام‌توری شده به‌شارهای آستانه انتخابی و یک‌نوع بهره‌برداری از برای از این مفاهیم شده است و آن چیزی که در اینجا به نظر من -ذبح می‌شود و ما کمتر از آن صحبت می‌کنیم، نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها جامعه ما زیبا بودند یا ما سطورها را پیدا کرده‌اند. این مفاهیم که ما به‌دهای ارژنی، مذهبی و هنجاری ربط وبقی پیدا کرده‌اند، این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود. در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود. در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

همین‌جاست. عدالت بی‌حیثیت می‌شود می‌گویند منظور اینها از عدالت، عدالت‌درمیان خدوشان، نبودن ثروت و قدرت درمیان خدوشان است، اینها در چهار دهه درحال دربرگرفتن مدام است، ما باید از اینها عبور کنیم. بنشینیم و ببینیم که مشکل کجاست. مدامی که این مفاهیم کاملاً از محتوایش نشکند، این باید کاری کرد، در غیراین‌صورت در آینده احتیاج به یک مفهوم دیگری برای برقراری رابطه تقییم و تفاهمی با مردم خواهیم داشت. در آن صورت، ما باید از این مفاهیم استفاده کنیم. درون‌همان‌ها هم ۷۲مت وجود دارد، یعنی آنجا نیز گروه‌ها و طیف‌های مختلف فکری وجود دارد که حتی آنگاه که یک دیدگاه را از نظر دینی و قرآنی مورد بحث قرار می‌دهند، در تفسیر یا به‌مشابه‌نیتند. مهم این نیست که دال به‌یکار می‌برند،

دال به‌لحاظ زبان‌شناسی است، universal, است، signifier، به‌معنای مفهوم است. یک موجد، قدرت و، عدالت، به‌یکار می‌برند. آنچه بین انسان‌ها جدایی می‌آندازد، مدلول یا signified است، یعنی وقتی شما مفهوم عدالت را حتی از یک نص و یک کتاب مقدس استخراج می‌کنید، تفسیرتان چیست؟ وگرنه خود کتاب که به‌صدا درمی‌آید بگوید منظور من از این مفهوم چیست؛ بنابراین میان حتی مفسران ما یک خدش هم واحد میان بسیاری از مفاهیم وجود ندارد. اما باید یک‌جایی بر این فضا فائق آییم. به‌نظر من این مشکلی بوده که ما بعد از انقلاب تاکنون داشته‌ایم و این سربگردانی نظری وهرچند، این مفاهیم بر از انهام و ایهام آگاه داده که همگان به نام عدالت سخن بگویند. اما همگان عدالت را از عدالت تپهی همگان به‌عدالت‌یک‌هنگام خیرات‌کنند. بنابراین بایدیک

فضا را دور بزنیم و یک گفتنام مسطلی که گزاره‌هایش به‌صورت افکار عمومی تبدیل شوند، عدالت شناختن این نوعی گفتنامی که رفتار اصولگرایی ننداند، هم‌گاه خودی گوناگونی و تکثر، بتواند عدالت را در جامعه پیاده کند. یکجا آنهایی که بر سریر قدرت قرار می‌گیرند باید تکلیف را مشخص کنند که تکلیف‌شان چیست. عدالت‌خواهی یعنی توانفتن این مفاهیم را عملی و اجرایی به‌عنوان عدالت قوی و پویانبارا بر پرورازی است و نوعی گفتنام‌توری شده به‌شارهای آستانه انتخابی و یک‌نوع بهره‌برداری از برای از این مفاهیم شده است و آن چیزی که در اینجا به نظر من -ذبح می‌شود و ما کمتر از آن صحبت می‌کنیم، نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها جامعه ما زیبا بودند یا ما سطورها را پیدا کرده‌اند. این مفاهیم که ما به‌دهای ارژنی، مذهبی و هنجاری ربط وبقی پیدا کرده‌اند، این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود. در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود. در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود. در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود. در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود. در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود. در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

در جریان اطلاع‌طلبی ما هرگز گفتنام‌توری نمی‌شود. این مفاهیم درحال حاض می‌شوند و شنیدند نوعی فضای هوسنوستی، ساسونالیستی می‌باشیم. بعضی‌ها خود را در فضای کلی اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند، نوعی مباحث ایرادشهری را مطرح می‌کنند که یک‌نوع تفوق‌نژادی، زبانی در این فضا هم پیدا می‌شود.

پس از چهار دهه، جلوتر برویم. ششادسته‌ای‌ها بولی ... بودیم که موجب تشدید بی‌نابری‌استی شده و کار به جایی رسید که آقای احمدی‌نژاد با شعار عدالت‌ورف‌فقر و فساد و تبعیض سر را کم می‌آید چون مساله عدالت به‌شدت برای مردم مطرح و جدی می‌گردد. به‌صورت عملی در جامعه پیاده می‌شود. به‌نظر من به‌حق تاریخ می‌روند. این مشکل چه درمورد اصلاح‌طلبی و اصولگرایی وجود دارد.

ما امروز در آن function که فرمودید بعضی از دولت‌ها به‌نام عدالت پیاده کرده‌اند، طبیعتاً همان‌طور که گفته‌ام معانی مضیق‌گانه است که ما چند سال‌خاستن می‌سازیم... و...

بعد می‌بینیم در حاشیه آن چه فساد می‌بریا می‌شود و چه کسانی از این نظر عدالت‌خواهی سودها می‌برند و چگونه فساد می‌جویند. شاید ما در شرایط کنونی که بحث از عدالت می‌کنیم در اولین و مهم‌ترین گام باید مشکل فساد را حل کنیم.

ما در مورد آن function که فرمودید بعضی از دولت‌ها به‌نام عدالت پیاده کرده‌اند، طبیعتاً همان‌طور که گفته‌ام معانی مضیق‌گانه است که ما چند سال‌خاستن می‌سازیم... و...

بعد می‌بینیم در حاشیه آن چه فساد می‌بریا می‌شود و چه کسانی از این نظر عدالت‌خواهی سودها می‌برند و چگونه فساد می‌جویند. شاید ما در شرایط کنونی که بحث از عدالت می‌کنیم در اولین و مهم‌ترین گام باید مشکل فساد را حل کنیم.

ما در مورد آن function که فرمودید بعضی از دولت‌ها به‌نام عدالت پیاده کرده‌اند، طبیعتاً همان‌طور که گفته‌ام معانی مضیق‌گانه است که ما چند سال‌خاستن می‌سازیم... و...

بعد می‌بینیم در حاشیه آن چه فساد می‌بریا می‌شود و چه کسانی از این نظر عدالت‌خواهی سودها می‌برند و چگونه فساد می‌جویند. شاید ما در شرایط کنونی که بحث از عدالت می‌کنیم در اولین و مهم‌ترین گام باید مشکل فساد را حل کنیم.

ما در مورد آن function که فرمودید بعضی از دولت‌ها به‌نام عدالت پیاده کرده‌اند، طبیعتاً همان‌طور که گفته‌ام معانی مضیق‌گانه است که ما چند سال‌خاستن می‌سازیم... و...

بعد می‌بینیم در حاشیه آن چه فساد می‌بریا می‌شود و چه کسانی از این نظر عدالت‌خواهی سودها می‌برند و چگونه فساد می‌جویند. شاید ما در شرایط کنونی که بحث از عدالت می‌کنیم در اولین و مهم‌ترین گام باید مشکل فساد را حل کنیم.

ما در مورد آن function که فرمودید بعضی از دولت‌ها به‌نام عدالت پیاده کرده‌اند، طبیعتاً همان‌طور که گفته‌ام معانی مضیق‌گانه است که ما چند سال‌خاستن می‌سازیم... و...

بعد می‌بینیم در حاشیه آن چه فساد می‌بریا می‌شود و چه کسانی از این نظر عدالت‌خواهی سودها می‌برند و چگونه فساد می‌جویند. شاید ما در شرایط کنونی که بحث از عدالت می‌کنیم در اولین و مهم‌ترین گام باید مشکل فساد را حل کنیم.

همین‌جاست. عدالت بی‌حیثیت می‌شود می‌گویند منظور اینها از عدالت، عدالت‌درمیان خدوشان، نبودن ثروت و قدرت درمیان خدوشان است، اینها در چهار دهه درحال دربرگرفتن مدام است، ما باید از اینها عبور کنیم. بنشینیم و ببینیم که مشکل کجاست. مدامی که این مفاهیم کاملاً از محتوایش نشکند، این باید کاری کرد، در غیراین‌صورت در آینده احتیاج به یک مفهوم دیگری برای برقراری رابطه تقییم و تفاهمی با مردم خواهیم داشت.

## ۱۵

## ۱۶

همین‌جاست. عدالت بی‌حیثیت می‌شود می‌گویند منظور اینها از عدالت، عدالت‌درمیان خدوشان، نبودن ثروت و قدرت درمیان خدوشان است، اینها در چهار دهه درحال دربرگرفتن مدام است، ما باید از اینها عبور کنیم. بنشینیم و ببینیم که مشکل کجاست. مدامی که این مفاهیم کاملاً از محتوایش نشکند، این باید کاری کرد، در غیراین‌صورت در آینده احتیاج به یک مفهوم دیگری برای برقراری رابطه تقییم و تفاهمی با مردم خواهیم داشت.

همین‌جاست. عدالت بی‌حیثیت می‌شود می‌گویند منظور اینها از عدالت، عدالت‌درمیان خدوشان، نبودن ثروت و قدرت درمیان خدوشان است، اینها در چهار دهه درحال دربرگرفتن مدام است، ما باید از اینها عبور کنیم. بنشینیم و ببینیم که مشکل کجاست. مدامی که این مفاهیم کاملاً از محتوایش نشکند، این باید کاری کرد، در غیراین‌صورت در آینده احتیاج به یک مفهوم دیگری برای برقراری رابطه تقییم و تفاهمی با مردم خواهیم داشت.

همین‌جاست. عدالت بی‌حیثیت می‌شود می‌گویند منظور اینها از عدالت، عدالت‌درمیان خدوشان، نبودن ثروت و قدرت درمیان خدوشان است، اینها در چهار دهه درحال دربرگرفتن مدام است، ما باید از اینها عبور کنیم. بنشینیم و ببینیم که مشکل کجاست. مدامی که این مفاهیم کاملاً از محتوایش نشکند، این باید کاری کرد، در غیراین‌صورت در آینده احتیاج به یک مفهوم دیگری برای برقراری رابطه تقییم و تفاهمی با مردم خواهیم داشت.

همین‌جاست. عدالت بی‌حیثیت می‌شود می‌گویند منظور اینها از عدالت، عدالت‌درمیان خدوشان، نبودن ثروت و قدرت درمیان خدوشان است، اینها در چهار دهه درحال دربرگرفتن مدام است، ما باید از اینها عبور کنیم. بنشینیم و ببینیم که مشکل کجاست. مدامی که این مفاهیم کاملاً از محتوایش نشکند، این باید کاری کرد، در غیراین‌صورت در آینده احتیاج به یک مفهوم دیگری برای برقراری رابطه تقییم و تفاهمی با مردم خواهیم داشت.

همین‌جاست. عدالت بی‌حیثیت می‌شود می‌گویند منظور اینها از عدالت، عدالت‌درمیان خدوشان، نبودن ثروت و قدرت درمیان خدوشان است، اینها در چهار دهه درحال دربرگرفتن مدام است، ما باید از اینها عبور کنیم. بنشینیم و ببینیم که مشکل کجاست. مدامی که این مفاهیم کاملاً از محتوایش نشکند، این باید کاری کرد، در غیراین‌صورت در آینده احتیاج به یک مفهوم دیگری برای برقراری رابطه تقییم و تفاهمی با مردم خواهیم داشت.

همین‌جاست. عدالت بی‌حیثیت می‌شود می‌گویند منظور اینها از عدالت، عدالت‌درمیان خدوشان، نبودن ثروت و قدرت درمیان خدوشان است، اینها در چهار دهه درحال دربرگرفتن مدام است، ما باید از اینها عبور کنیم. بنشینیم و ببینیم که مشکل کجاست. مدامی که این مفاهیم کاملاً از محتوایش نشکند، این باید کاری کرد، در غیراین‌صورت در آینده احتیاج به یک مفهوم دیگری برای برقراری رابطه تقییم و تفاهمی با مردم خواهیم داشت.

همین‌جاست. عدالت بی‌حیثیت می‌شود می‌گویند منظور اینها از عدالت، عدالت‌درمیان خدوشان، نبودن ثروت و قدرت درمیان خدوشان است، اینها در چهار دهه درحال دربرگرفتن مدام است، ما باید از اینها عبور کنیم. بنشینیم و ببینیم که مشکل کجاست. مدامی که این مفاهیم کاملاً از محتوایش نشکند، این باید کاری کرد، در غیراین‌صورت در آینده احتیاج به یک مفهوم دیگری برای برقراری رابطه تقییم و تفاهمی با مردم خواهیم داشت.

همین‌جاست. عدالت بی‌حیثیت می‌شود می‌گویند منظور اینها از عدالت، عدالت‌درمیان خدوشان، نبودن ثروت و قدرت درمیان خدوشان است، اینها در چهار دهه درحال دربرگرفتن مدام است، ما باید از اینها عبور کنیم. بنشینیم و ببینیم که مشکل کجاست. مدامی که این مفاهیم کاملاً از محتوایش نشکند، این باید کاری کرد، در غیراین‌صورت در آینده احتیاج به یک مفهوم دیگری برای برقراری رابطه تقییم و تفاهمی با مردم خواهیم داشت.